



دریغ از یک لحظه تعمق!

در پاسخ به چند استدلال در دفاع از اعتراض برهنه

آذر ماجدی

در میان هیاهوی مجازی مدافعین اعتراض برهنه زنان و برخورد به منتقدین این حرکت، صرفاً چند نکته مطرح شده درخور برخورد و بررسی است: چند نکته ای که مریم نمازی در دفاع از اعتراض برهنه زنان عنوان کرده است* باید اشاره کنیم که برخی از این نکات را دو سال پیش مریم نمازی در یک دفاعیه بزبان انگلیسی از تقویم "انقلابی زنان برهنه" در مقابل نقد من مطرح کرده بود که من نیز به آن به انگلیسی پاسخ دادم** در اینجا برای خوانندگانی که مطلب انگلیسی را مطالعه نکرده اند، به زبان فارسی به این نکات می پردازیم.

سکسوالیزه کردن بدن زنان بی گناه است!

مریم نمازی می نویسد: "هرچند اعتراض عریان تنها راه مقاومت در برابر اسلامی ها و حجاب نیست، اما یک شیوه بسیار مدرن، کارا و درخور مقابله با آنهاست. این شیوه اعتراض همچنین تبعیض علیه زنان و کل آن سیستمی را به چالش میکشد که بدن زن را به کالا تبدیل کرده است و آن را سکسوالیزه (sexualised) کرده است."

سکس یک وجه مهم زندگی بشر است. لذا سکسوالیزه کردن نه تنها بدن زنان، که بدن مردان نیز یک واقعیت جامعه و زندگی انسان است. و هیچ انسان پیشرو و آزاده ای، از جمله و بویژه، یک کمونیست هیچ مشکلی با این پدیده نباید داشته باشد. فکر نمی کنم به کسانی که به شهادت برنامه و تبلیغاتشان از آزادی جنسی دفاع می کنند، تصریح این مساله ضرورتی داشته باشد. بویژه، آنچه سوال برانگیز میشود این تناقض است که چگونه جریانی که یک بخش قابل ملاحظه از تبلیغات کتبی و تصویری و فعالیت هایش به تبلیغ آزادی جنسی و صحبت از سکس و پرده بکارت و امثالهم اختصاص یافته است، به این شکل زاهدانه و خشکه مقدسانه به سکسوالیزه شدن بدن زنان نقد داشته باشد.

چنین نقدی بهیچوجه پیشرو نیست، بلکه بسیار عقب مانده است. این چاله ای است که شاخه هایی از فمینیسم در آن افتاده اند. در دفاع از زن و در ضدیت با مرد، نظیر زاهدان ترشروی کلیسا و واتیکان به مقوله بی معنایی چون "سکسوالیزه" کردن بدن زنان نقد می کنند. مقوله ای که در دنیای واقعی بی معنا است. این برخورد فمینیسم روی دیگر سکه عقب ماندگی خشکه مقدسانه و اتیکانی است. این گرایش فمینیستی شمشیر برداشته است و بهر برخورد و نگاه جنسی از جانب یک مرد به یک زن یورش صلیبی می برد. از ادیخواهی و کمونیسم هیچ وجه اشتراکی با چنین زهد و خشکه مقدس بازی ندارد.

اگر پورنوگرافی بازار دارد (و باید بگوییم نه فقط میان مردان. زنان بسیاری فیلم های پورنو نگاه می کنند و به هنر اروتیک که یک خط باریک با پورنو فاصله دارد بسیار علاقمندند. با رشد اینترنت روشن شده است که بخش قابل توجهی از زنان نیز مشتری پورنوگرافی اند.) باین خاطر نیست که مذهب یا ایدئولوژی مردسالار و زن ستیز بدن زن را سکسوالیزه کرده اند. سکس و تمایل جنسی به این ایدئولوژی پیشی دارد. مشکل نه سکسوالیزه شدن بدن زن، بلکه اذیت و آزار جنسی زنان است. در یک دنیای آزاد، بدن زنان وجه جنسی خود را از دست نمی دهد، رابطه آزاد و برابر میان زن و مرد، ضرورت اذیت و آزار جنسی را از میان می برد. ما با پدیده سکسوالیزه شدن بدن زن نباید مشکل داشته باشیم، همانگونه که با سکسوالیزه شدن بدن مرد نیز مشکل نداریم. ما با برخورد زن ستیزانه جنسی نسبت به زن که در این جامعه نابرابر و وارونه رخ می دهد معضل داریم. ما قصدمان ایجاد یک جامعه بر مبنای زهد و خشکه مقدسی

صفحه ۲

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

گزارش سازمان آزادی زن

از تظاهرات علیه اعدام در گوتنبرگ

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

آخوندها، واتیکان و فمینیست ها این چنین است. آیا این یک برخورد عقب مانده و مذهبی نیست؟ این جماعت آزادی زن را با فاحشگی یکی می گیرند. اینها دستاوردهای جامعه مدرن که به قیمت مبارزات وسیع جنبش آزادی زن، خلاصی فرهنگی، ضد مذهب و کارگری و سوسیالیستی بدست آمده، یعنی آزادی جنسی و نه فقط برای مردان، بلکه همچنین برای زنان، خلاصی زنان از پوشیدن سر تا پای خود و آزادانه لباس پوشیدن، استقلال نسبی زن و چنین وجوهاتی از جامعه مدرن را با فحشاء یکی می گیرند. پادمان نرود که هر زمان ما کمونیستها از آزادی و برابری زنان سخن گفته ایم، یک مبصر شرق زده یا پوپولیست تذکر داده: "بشرط آنکه فساد اخلاقی نیاورد". چگونه است که فعالی که خود را مدرن، آزادیخواه و بویژه کمونیست می داند، در تبیین ستمکشی زن دست در انبان مذهبیبون و سازمان مجاهدین کرده است؟ آیا این یک تناقض نیست؟

قطعا تناقض است. اما بسیار اتفاق می افتد که دو جریان پوپولیستی که در مقابل یکدیگر قرار می گیرند تحلیل شان از یک منبع نشات می گیرد. از اینرو است که می گوئیم تحلیل و نگرششان دو روی یک سکه اند. زمانی که تحلیل سطحی است و تلاش صرفا ایجاد هیاهو و فیل هوا کردن است، افتادن به دامان پوپولیسم اجتناب ناپذیر است. وگرنه کمونیسم کارگری گنجینه ای وسیع از تئوری مارکسیستی در اختیار ما گذاشته است. یک تامل در این گنجینه، یکبار مطالعه دیگر برنامه یک دنیای بهتر، یک لحظه تعمق در سنت کمونیسم کارگری منصور حکمت به ما نشان می دهد که چنین تحلیل های سطحی ربطی به مارکسیسم و کمونیسم کارگری ندارد.

بدن زنان شیئیت نیز نیافته است. راستش این مقوله آنچنان اختیاری و از هر منظری غیر علمی و علیرغم قلمبه سلمبه بودنش آنچنان عامیانه است که پاسخی جدی را نیز طلب نمی کند. من که در درک چگونگی شیئیت یافتن بدن زنان عاجزم. این صرفا یک لفظ شیک و دهان پر کن برای خاموش کردن نادانان است. برای

صفحه ۳

دریغ از یک لحظه تعمق!

در پاسخ به چند استدلال در دفاع از اعتراض برهنه ...

آیا زن یا بدن زن در جامعه سرمایه داری کالا شده است؟ این یک ادعای پوچ و بی معنا است. کالا دارای تعریف مشخص است. آیا بنا به این تعریف زن کالا شده است؟ باید از مریم پرسید، که لفظ کالا یا مقوله کالا شدن را در چه متنی استفاده می کند؟ آیا از آنجا که خود را کمونیست می داند، به تعریف مارکسی از مقوله کالا قائل است یا خیر یک تعریف پا در هوا و شاید استعاره ای از کالا را مد نظر دارد که هم فمینیسم و هم شرق زدگان مفلوک ایرانی از آن استفاده می کنند؟

مارکس در فصل اول از جلد اول کاپیتال روشن و صریح کالا را این چنین تعریف می کند؛ شئی ای که هم ارزش مصرف دارد و هم ارزش مبادله. بدن زن دارای ارزش مصرف است، این نیازی به تعریف و اثبات ندارد. اما آیا دارای ارزش مبادله نیز هست؟ اینجاست که انسان در می ماند که چگونه یک مدعی مارکسیسم می تواند این چنین بی دقت و سطحی مقولاتی را سر هم کند. آیا مریم واقعا بر این نظر است که بدن زن دارای ارزش مبادله است؟ فکر نمی کنم که هیچ کس، حتی فمینیست ها و آخوندهایی که از کالا شدن زن داد و فغان می کنند، چنین فکری بکنند. آنها بشکل "استعاره" برای نشان دادن باصطلاح "ابتدال" این جامعه از چنین لفظی استفاده می کنند. چنین نقدی در اخلاقیات ریاکارانه بورژوازی نشات دارد و بیک معنا مذهبی است.

بدن زن فقط در یک حالت دارای ارزش مبادله می شود و در نتیجه کالا که زن آنرا در معرض فروش بگذارد. باین ترتیب بدن زن تن فروش کالا است. اما آیا این قابل تعمیم به کلیه زنان است؟ نزد آل احمد، شرق زدگان،

نیست. ما هدفمان ایجاد جامعه ای است که در آن سکس در کمال آزادی و در یک مناسبات برابر رخ می دهد. این برخورد خشکه مقدس از کمونیسم، ربطی به کمونیسم کارگری ندارد. نمودی از برخورد کمونیسم بورژوازی روسی و چینی است. پوپولیسم چپ ایرانی و فرهنگ شرق زده آل احمدی دقیقا همین نقد را به جامعه سرمایه داری دارند. به ادبیات پوپولیستی سالهای 57-60 شمسی و ادبیات آل احمد بویژه "زن زیادی" رجوع کنید، از همین زاویه جامعه سرمایه داری و مدرنیسم را نقد می کنند. حالا چه شده است که دوستان اولترا مدرن ما با عقب افتادگان شرق زده منتقد مدرنیسم از یک سر به نقد جامعه بلند شده اند؟ زیرا برخورد هر دو، فمینیسم و شرق زدگی، به مساله زن دوروی یک سکه اند.

کالا شدن بدن زن، پوچ و غیرمارکسیستی!
مریم بر این عقیده است که زن در جامعه سرمایه داری کالا شده است: "آنچه اثر نمی بیند این واقعیت است که برهنگی معضل نیست؛ کالا شدن و شیئیت یافتن بدن زنان معضل است." (ترجمه از مطلب مریم نمازی به انگلیسی.+) و در نوشته بالا: "در عین اینکه ستمکشی زن بطور بنیادی محصول این سیستم اقتصادی و اجتماعی است که از کالا سازی و شیئیت بخشیدن به زن و همچنین تقسیم کار جنسی در پروسه تولید نفع میبرد."

البته همینجا برای کسانی که ممکن است از این نقل قول تصویری اشتباه از برنامه یک دنیای بهتر، برنامه کمونیسم کارگری نوشته منصور حکمت، بدست آورند، باید توضیح دهیم که این تحلیل و تبیین خود مریم نمازی و جنبش فمینیستی از مبنای ستمکشی زن است و ربطی به برنامه یک دنیای بهتر ندارد.++ از آنجا که مریم نمازی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری است، تاکید این نکته ضروری شد.

اسلام ضد زن است!

است.

و ده ها کلام دهان پرکن دیگر! از این چند مقوله ای که در تلاش برای ارائه یک تئوری پوچ استفاده شده که بگذریم، باقی نوشته مملو است از الفاظ دهان پر کن تهی در وصف مفید بودن و آزادی بخش بودن اعتراض برهنه: "این اعتراض زیر و رو کننده است و وضع موجود را تهدید میکند." این توصیفات انسان را بیشتر به یاد تبلیغ شامپو می اندازد تا ارائه یک تحلیل تئوریک.

به نقل قول طولانی زیر توجه کنید! شگفت انگیز است. از فیلم های سنگامی و فردین- فروزانی که در پایان، پس از دو ساعت تراژدی و غم و غصه، همه به آرزوهای خود و زن فقیر به مرد ثروتمند می رسد نیز هندی- ایرانی تر است:

"اعتراض برهنه زن را در فضای عمومی قابل مشاهده میکند و اینکه چه کسی بر بدن زن کنترل دارد را بازتعریف میکند. این باز پس گیری ابزار است که برای انقیاد استفاده میشود و پافشاری بر این است که بدنهای ما مال خودمان است، نه ملک دیگران، نه ناموس کسی، نه مایه شرم، آبروریزی ملی و غیره. بازپس گیری برهنگی توسط زنان در جایی که بدن زن بعنوان یک سلاح در جنگ و یا در سرکوب مورد سوء استفاده و تجاوز قرار گرفته، معنی خاصی دارد. ... اختیار زن بر بدن خود به معنی این است که او بعنوان یک انسان معین و واقعی و مجزا از مردانی شناخته میشود که "صاحب" او هستند. این به معنی آزادی های بیشتر برای اوست، از جمله آزادی در تحصیل به میل خود، اختیار داشتن شغلی که دوست دارد، دیدار دوستان و آشنایان هر زمان که بخواهد، مسافرت بدون کسب اجازه، تماس آزادانه با مردان، حق طلاق و سرپرستی بچه، ازدواج با هر کسی که خود انتخاب میکند، اختیار در انتخاب خدانبابوری، سکس داشتن هر زمان که بخواهد، امتناع از سکس وقتی که نخواهد، همینطور حق دسترسی به غذا، پوشاک و بهداشت مستقل از اینکه زن چگونه توسط قیم مرد و یا جامعه قضاوت میشود. در جامعه ای که زنان تا حد بیشتری

صفحه ۴

دریغ از یک لحظه تعمق!

در پاسخ به چند استدلال در دفاع از اعتراض برهنه ...

باین ترتیب است که حکم داده می شود: "زن برهنه آنتی تز زن ایده آل محببه و فرمانبر است." آیا واقعا یک زن برهنه آنتی تز زن "ایده آل" اسلامی است؟ آیا با این حکم قصد داریم جنبش آزادی زن در ایران یا کشورهای اسلامزده را به برهنه در جامعه ظاهر شدن فرا بخوانیم؟ آیا این پاسخ انقلابی و رادیکال به ستمگشی و موقعیت فرودست زن است؟ قاعدتا با دادن چنین حکمی باید چنین نتیجه ای گرفت. و اینجاست که این حرکت را نه بعنوان یک حرکت اعتراضی سمبلیک تعدادی زن فعال، بلکه بعنوان الگویی برای یک جنبش تبلیغ می کنیم. این عقب بردن جنبش آزادی زن است. این تنزل دادن خواستهای زنان که بسیار از این باصطلاح "آنتی تز" فراتر می رود، است.

دیدگاه حاکم بر این تبیین دیدگاهی وارونه و بسیار سطحی است. از سطح حرکت می کند، به هیاهو و فیل هوا کردن می اندیشد و از آنجا به حرکت در می آید. همین سطحی نگری و وارونه اندیشی به یک نمایش دیگر در این اعتراض برهنه راه داده است. چیدن کلمه الله از پرچم رژیم اسلامی و بجای آن نشان دادن آلت جنسی، نمونه دیگری از این وارونه اندیشی است. معمولا در اعتراضات برای تمسخر و به ریشخند گرفتن یک ایده یا فرد او را با یک مظهر مسخرگی و ابتذال برابر قرار می دهند. این را در پلاکارد ها بسیار می بینیم. معادله ای درست می شود از دو چیز که با هم برابرند یا ما آنها را یکی و برابر می شناسیم. با این حرکت به الله توهین نشده است؛ الله به تمسخر و ریشخند گرفته نشده است؛ این آلت جنسی زن است که در قامت مریم نمازی در مقابل لوور در پاریس به تمسخر گرفته می شود. این توهین نه به الله که به آلت جنسی زن

اینکه شناخت موقعیت زن را در جامعه سرمایه داری توضیح دهیم، نیاز نداریم که به داستان و افسانه رجوع کنیم. واقعیت باندازه کافی شنیع و ضد انسانی هست. اگر فکر می کنیم که اعتراض برهنه کار خوب و مفیدی است، خوب بدون متوسل شدن به این داستان سرایی ها انجامش دهیم و از آن دفاع کنیم. چرا خود را ملزم به تئوری به تئوری بافی های سطحی، پوپولیستی و برای یک مارکسیست مضحک می بینیم؟ آیا باین خاطر نیست که در مقابل نقد محکم، اصولی و مارکسیستی مستاصل و عاجز شده ایم؟ مساله دقیقا همین است.

نفرت از بدن زن

مریم می نویسد: "نفرت اسلام سیاسی نسبت به تن زن و اصرار بر اینکه زنان باید پوشیده و پنهان باشند برهنگی را به یک شکل مهم مقاومت و اعتراض عمومی تبدیل میکند. اسلامی ها و جمهوری اسلامی میخواهند ما را از اجتماع حذف کنند. ما امتناع میکنیم. یک زن عریان آنتی تز زن ایده آل محببه و فرمانبر است."

آیا واقعا اسلام از بدن زن متنفر است؟ این یک ادعای بی پایه بیش نیست. اتفاقا اسلام زنان را حکم بر پوشیدگی داده است، چون پیغمبرش آنچنان شیفته بدن برهنه زن بوده است که جلوی هوسرانی خود را نمی توانسته بگیرد. محمد از هیچ زن و دختر بچه ای نمی توانسته بدون نگاه شهوانی عبور کند. از اینرو بخاطر حفاظت زنانی که متعلق بخود می پنداشته دستور به حجاب و پوشیدگی داده است و آپارتاید جنسی را به نرم جامعه بدل کرده است. آخوندها نیز دست کمی از رهبر و پیامبرشان ندارند. لذا نه از روی نفرت بلکه از روی شیفتگی بیمارگونه است که اسلام به زنان حکم حجاب بسر کردن داده است.

اول یک حکم بی پایه داده می شود، سپس یک حکم بیربط تر از آن استنتاج می شود.

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقه‌بندی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتاً و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی‌نشیند.

**نشریه آزادی زن را
بخوانید و بدست
دوستانتان برسانید!**

دریغ از یک لحظه تعمق!

در پاسخ به چند استدلال در دفاع از اعتراض برهنه ...

هیچ نیستند جزء یک سری عبارات دهان پرکن توخالی. و فقط می‌توان گفت که از سر عجز و استیصال بر قلم رانده شده اند. بهتر است مدافعین این حرکت، به تئوری متوسل نشوند، زیرا کارشان را خرابتر می‌کنند. در اروپا زندگی می‌کنند که مشکل زیادی با برهنگی ندارد. در هر عید و عزایی که می‌خواهند اعتراض برهنه کنند. حتماً با استقبال عده ای روبرو می‌شوند. شاید هم معجزه شد و با این کار تمام حقوق زنان، آنچنان که در پاراگراف بالا نوید آن داده شده، متحقق شد؛ "آمین!"

<https://rowzane.com/select-editor/9040-28-maryam.html>

**** "Nudity or Nudity, that is the Question!"** <http://iranian.com/posts/view/post/23195>

+ "What Azar doesn't see is that nudity is not the problem; it's the commodification and objectification of women's bodies that are."

++ تبیین ستمکشی زن در برنامه یک دنیای بهتر:

"تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی زن و بیحقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات

مالک بدن های خود هستند همه چیز، از حجاب تا ختنه زنان، سنگسار و قتل های ناموسی، غیر قابل اجرا میشود."

"جل الخالق!" مبارزه برهنه اینقدر فوائد داشت و ما کمونیست های کارگری، فعالین جنبش آزادی زن، طی بیش از یک قرن از آن بی اطلاع بودیم. "خدا پدر آن مردی که فتن را ساخت و روانه غرب کرد، بیامرزد" که ما را به آزادی تا این حد نزدیک کرد. پس زنده باد برهنگی! من اینجا یکبار دیگر فراخوانم را به تمام مدافعین اعتراض برهنه، صرفنظر از جنسیت، رنگ، نژاد، مذهب یا بی مذهبی، تکرار می‌کنم. همگی برهنه بسوی آزادی!

از مزاح گذشته، این پاراگراف را باید بعنوان یک آرتیستون پر خالی در تاریخ ثبت کرد. آخر منطق هم خوب چیزی است. چگونه با برهنه شدن، زن در "فضای عمومی" قابل مشاهده می‌شود؟ چون برهنه است؟ اینکه نقض غرض است. بعد چه کسی گفته که زن در فضای عمومی قابل مشاهده نیست؟ اصلاً این مفهوم به چه معنا است؟ بعد چگونه اعتراض برهنه اختیار زن را بر بدنش مستولی می‌کند؟ این مقوله "اختیار زن بر بدن خویش" نیز یکی از آیه های فمینیستی است که همواره در مقابل همه گذاشته می‌شود: از دفاع از "مقدس" بودن سقط جنین گرفته تا بدست آوردن هر حق. اختیار مرد بر بدنش چگونه است که زن از آن بی بهره است. مسأله آزادی پوشش، یک حق پایه ای است. اما حتی آزادی پوشش ربطی به حق اختیار بر بدن خویش ندارد. آیا با اعلام این خواست، مدافعین آن خواهان داشتن حق آزار بدنی خویش، خودکشی و امثالهم نیز هستند؟ باز پس گرفتن این اختیار دیگر چه مقوله ای است؟ راستش این نوشته آنچنان مملو از مقولات اختیاری، سطحی و غیرعلمی است که انسان از وفور در مضیقه می‌افتد. اینها

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!



گزارش سازمان آزادی زن از تظاهرات علیه اعدام در گوتنبرگ



روز شنبه ۵ آوریل ۲۰۱۴ در شهر گوتنبرگ سوئد آکسیون اعتراضی با حضور تعدادی از نمایندگان سازمانها و احزاب اپوزیسیون رژیم اسلامی و شرکت مردم آزادیخواه و برابری طلب در راس ساعت ۱۵ زیر باران شدید برگزار شد. پلاکارهای بسیاری در دفاع از حق حیات و در محکومیت اعدام، بعنوان قتل عمد دولتی توجه ها را به خود جلب می کرد. سخنرانها به زبان سوئدی و فارسی در باره ریحانه جباری، زن جوانی که روزهای سختی را در زندان رژیم اسلامی در انتظار خیر اعدام خود بسر می برد صحبت کردند و از همگی شرکت کنندگان خواستند که در محکومیت رژیم اسلامی و قتل عمد دولتی از هیچ تلاشی کوتاهی نکنند.



اطلاعیه هایی در رابطه با حکم اعدام ریحانه در بین عابرین پخش و از آنها خواسته شد که به کمپین علیه اعدام ریحانه بپیوندند تا بتوان یکبار دیگر رژیم جمهوری اسلامی را در پیشگاه افکار عمومی مردم جهان به محاکمه کشید.

مرگ بر جمهودی اسلامی!
زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

سازمان آزادی زن واحد گوتنبرگ
۵ آوریل ۲۰۱۴

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!
با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریع ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو

باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سگس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای کانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.



سازمان آزادی زن
Women's Liberation - Iran

نه به حجاب اسلامی

زنده باد آزادی زن
سرکوب زن ممنوع
ستم بر زن موقوف



تلویزیون مدوسا

جمعه ها از ساعت 2 تا 3 بعداز ظهر به وقت اروپای

مرکزی

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

KMTV

به سازمان آزادی زن پیوندید!